

فصلنامه مطالعات نوین بانکی

شماره مجوز: ۸۳۲۸۹ ((شماره دهم-بهار ۱۴۰۰)) ISSN: 2645-5420

کارایی بانکداری اسلامی در مقابل کارایی بانکداری متعارف

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۲، تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۳/۲۸)

دکتر علی لعل‌بار

استادیار گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، اراک، ایران

نادیا کیوان^۱

دانشجوی دکترای مهندسی مالی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک

چکیده

بعد از انقلاب اسلامی تحقق بانکداری اسلامی در سیستم بانکی کشور یکی از موضوعات مهم در حوزه بانکی بوده است. در شرایط فعلی، اقتصاد ایران در اثر تشدید تحریم‌های بین‌المللی به ویژه محدودیت‌های ایجاد شده در حوزه‌های مالی و بانکی شرایط منحصر به فردی را تجربه می‌کند. این در حالی است که بانکداری اسلامی در کشورهای گوناگون اسلامی توانسته است در فضایی رقابتی، قابلیت‌های خود را در "واسطه‌گری مالی منطبق با شریعت" به منظور رفع نیازهای بانکی مشتریان مسلمان و حتی غیرمسلمان به خوبی نشان دهند. حال این پرسش مطرح است که آیا نظام بانکداری اسلامی که بر مبنای حرمت ربا نهاده شده، مزیتی نسب به نظام متعارف دارد؟ پاسخ به این سوال با توجه به بحران‌های اخیر، از اهمیت مضاعفی برخوردار است. از اینرو هدف مطالعه حاضر، بررسی کارایی بانکداری اسلامی در مقابل کارایی بانکداری متعارف می‌باشد. با مرور و بررسی مطالعات انجام شده در داخل و خارج از کشور، نتایج حاصل حاکی از اینست که بانکداری اسلامی با داشتن ویژگی‌هایی از جمله ممنوعیت انجام معاملات ربوی، تأکید بر قراردادهای واقعی، توزیع ریسک سرمایه‌گذاری، برقراری ارتباط میان عرضه پول و بخش واقعی اقتصاد و محدودیت فعالیت‌های سفته‌بازی به عنوان جایگزینی مطمئن و مناسب برای بانکداری متعارف مطرح است.

واژگان کلیدی: بانکداری اسلامی، بانکداری متعارف، کارایی نسبی، تأمین مالی اسلامی

^۱نویسنده مسئول Na.keyvan@yahoo.com



مقدمه

اسلامی شدن اقتصاد به فرآیند ترویج ارزش‌ها و سیاست‌های اسلامی در روند توسعه اقتصادی اطلاق می‌شود که می‌تواند با استفاده از شاخص‌های مختلف تغییرات آن در زمان را اندازه‌گیری نمود. یکی از نمودهای آن در صنعت بانکداری است (رحمان و عسکری، ۲۰۱۰، ص ۳). بانکداری اسلامی یا بدون ربا طی ۳۰ سال اخیر توسعه چشمگیری داشته است. در دهه ۷۰ میلادی (دهه ۵۰ شمسی) تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی، تعداد انگشت شماری مؤسسات مالی در قالب صندوق‌های قرض‌الحسنه یا مؤسسات سرمایه‌گذاری در ایران، مصر و کشورهای حوزه خلیج فارس اقدام به فعالیت می‌نمودند. با پیروزی انقلاب اسلامی و تصویب قانون بانکداری بدون ربا در سال ۱۳۶۲ و اجرای آن در سال ۱۳۶۳ تحول عمده‌ای در زمینه فعالیت بانک‌های اسلامی آغاز شد (محرابی، ۱۳۹۳، ص ۶۶). وقوع بحران مالی جهانی و تزلزل بیش از حد انتظار بانکداری متعارف و ثبات نسبی بانک‌های اسلامی در قبال آن، خیلی از متفکران را به تامل بیشتر در ماهیت بانکداری اسلامی واداشته است. به گونه‌ای که مطالعات گسترده‌ای درباره آن شروع شده است و به اعتقاد تحلیل‌گران مالی گرچه عوامل مختلفی در این پدیده دخیل است، لیکن یکی از عوامل مهم تفاوت ماهوی این دو نظام بانکی است. نظام بانکداری متعارف (ربوی) برای همه نیازها اعم از مصرفی و سرمایه‌گذاری از قرارداد قرض با بهره استفاده می‌کند و بطور معمول نرخ بهره آن نیز در بازار پول و بصورت برونزا از اقتصاد واقعی شکل می‌گیرد. این در حالی است که بانکداری اسلامی متناسب با نیازهای واقعی از انواع قراردادهای مالی بهره می‌گیرد. این بانک برای تامین مالی نیازهای مصرفی و سرمایه‌ای مقطعی و کوتاه مدت، راه‌هایی چون قرض‌الحسنه، مرابحه، اجاره به شرط تملیک و برای نیازهای سرمایه‌گذاری اساسی و بلند مدت، راه‌هایی چون مشارکت، مضاربه، مزارعه و

مساقات را معرفی کرده و به جای نرخ بهره از نرخ سود که برگرفته از اقتصاد واقعی است استفاده می‌کند (موسویان، ۱۳۸۸، ص ۲). از سوی دیگر، امروزه اقتصاد ایران در اثر تشدید تحریم‌های بین‌المللی به ویژه محدودیت‌های ایجاد شده در حوزه‌های مالی و بانکی شرایط منحصر به فردی را تجربه می‌کند. تاثیر تحریم‌ها به مثابه یک جنگ همه جانبه اقتصادی در ایجاد آشفتگی مالی ضمن اینکه نتوانسته است مسیر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی را در حوزه انتشار پول و اعتبار کارکرد نهادهای بانکی تصحیح کند، طیفی از نهادهای عمومی و خصوصی را در بهره‌گیری از فرصت‌های سودآور بازار آشفته، در بستر اعمال تحریض نموده است (مجاهدی موخر، ۱۳۹۶، ص ۱۱۷). در این راستا، مقاله‌ی حاضر سعی دارد، کارایی بانکداری اسلامی در مقابل کارایی بانکداری متعارف را مورد بررسی قرار دهد. برای نیل به این هدف، مقاله حاضر در ۵ بخش تدوین شده است. در بخش اول کارایی بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش دوم؛ ضرورت‌های ارائه‌ی خدمات مالی اسلامی کارآمد تبیین گردیده است. در بخش سوم؛ کارایی تامین مالی اسلامی و ابزارهای مربوطه تشریح شده است. در بخش چهارم؛ مروری بر مطالعات انجام شده در داخل و خارج از کشور صورت گرفته است و در پایان جمع بندی و نتیجه‌گیری از مطالب مطروحه ارائه گردید.

بخش اول: کارایی بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف

مطالعات مربوط به کارایی بانکی مدت‌ها مورد توجه بسیاری از ذینفعان بوده است. در سطح کلان، شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد رشد اقتصادی کشورها با کارایی بخش بانکی رابطه مثبت دارد (عبدی‌فر و همکاران، ۲۰۱۶، ص ۲۰۱). در سطح خرد، اغلب مطالعات، معیارهایی برای سنجش کارایی به مدیران و سیاست‌گذاران بانک به منظور بهبود عملکرد،

ارائه می‌دهند. همچنین کارایی بانکی بطور گسترده‌ای در تحلیل‌های تطبیقی بانکی مورد مطالعه قرار گرفته است، بویژه در مقایسه بانک‌های اسلامی و متعارف (ایزالدین، ۲۰۲۱، ص ۲). جونز و همکاران^۱ (۲۰۱۴) به بررسی جامعی از مطالعات انجام شده در مورد کارایی بانکداری اسلامی و متعارف پرداخته‌اند. بانک‌های اسلامی با ثبت دارایی کل در حدود ۱,۷ تریلیون دلار، حضور موثر خود را در سیستم مالی جهانی تثبیت کرده‌اند. حتی توانستند در بحران مالی و آشفتگی سیاسی، نرخ رشد دو رقمی سالانه را حفظ کنند (ارنست و یانگ، ۲۰۱۶، ص ۱). با وجود اینکه بانکداری اسلامی عمدتاً در کشورهای غربی وجود ندارد، بانکداری اسلامی بخش مهمی از اقتصاد چندین کشور آفریقای شمالی، میانه و شرق دور را بخود اختصاص داده است و بطور معمول بیش از ۲۰ درصد از دارایی سیستم بانکی را تشکیل می‌دهد (ایزالدین، ۲۰۲۱، ص ۲). بانکداری اسلامی در عربستان سعودی ۵۱,۲ درصد و در مالزی ۲۱,۳ درصد از دارایی سیستم بانکی را تشکیل می‌دهد (ارنست و یانگ، ۲۰۱۶، ص ۳). بانکداری اسلامی اغلب در مقیاس‌های کوچک توانسته است در رقابت با همتایان بانکداری متعارف بطور محلی مقاومت کند. البته پشتوانه‌ی موفقیت بانکداری اسلامی، مدل‌های تجاری منحصر به فرد آن است. در این مدل تجاری، پرداخت سود بدهی، سوداگری و سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های خاص (که عمدتاً غیراخلاقی تلقی می‌شود) منع می‌شود. علاوه بر این، خدمات مالی بانک‌های اسلامی بر اساس مفهوم تقسیم ریسک بین تأمین کنندگان و استفاده‌کنندگان از وجوه ساخته شده است، که به نظر می‌رسد ریسک اعتباری را کاهش می‌دهد (بائل، ۲۰۱۴، ص ۱۴۳). تعدادی از مطالعات به مقایسه کارایی بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف پرداختند و شکاف کارایی قابل توجهی را بین این دو نوع بانک برای مقاطع زمانی مشخص و در کشورهای مختلف شناسایی کرده‌اند. از جمله این مطالعات می‌توان به پژوهش انجام شده توسط عبدالمجید و همکاران^۲ (۲۰۱۰)، محرمی (۱۳۸۷)، جونز و همکاران (۲۰۱۴)، کامارودین و همکاران^۳ (۲۰۱۴) و سریری^۴ (۲۰۱۰) اشاره نمود. با توجه به تفاوت‌های مشاهده شده در مدل‌های تجاری بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف، انتظار می‌رود، کارایی آنها نیز متفاوت باشد. با این حال، پویایی کارایی این نوع بانکداری به خوبی بررسی نشده است.

بررسی کارایی بانکی و پویایی مربوط به آن، بدلیل پیوندهای نزدیک با ریسک‌پذیری و سرمایه‌گذاری بانکی، بسیار ضروری است (التونباس و همکاران، ۲۰۰۱، ص ۱۹۳۲). علاوه بر این، رقابت روزافزون در صنعت خدمات مالی، کارایی را در اولویت برنامه‌های مدیران بانک‌ها، تنظیم‌کنندگان و سیاست‌گذاران قرار می‌دهد (فیردلیسی و همکاران، ۲۰۱۱، ص ۱۳۱۶). از جمله ویژگی‌های مختلفی که در تحقیقات مختلف برای بانکداری اسلامی بر شمرده‌اند عبارتست از: سودآوری بیشتر (حسن و دریدی، ۲۰۱۱، ص ۴۸)، کیفیت دارایی و جمع‌آوری سرمایه برتر (بک و همکاران، ۲۰۱۳، ص ۴)، کارایی فنی بالاتر (جونز و همکاران، ۲۰۱۴، ص ۲) و از لحاظ ریسک با همتایان متعارف، دارای ویژگی‌های مشترکی هستند (پاپاس و همکاران، ۲۰۱۷، ص ۲۲۲). این بدان معنا نیست که بانک‌های اسلامی در معرض شوک اقتصادی نیستند، اما این ادعا وجود دارد که این بانک‌ها مقاوتر هستند (السن و زوبی، ۲۰۱۷، ص ۷۲). اختر و همکاران^۵ (۲۰۱۷) استدلال کرده‌اند که اسلامی بودن بانکداری، فرصت‌های متنوعی را در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌دهد و نسبت به بانکداری متعارف، فرصت‌های سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد. در حالیکه الحمیدی و کبیر حسن^۶ (۲۰۱۷) معتقد هستند که برخی از سرمایه‌گذاری‌ها ممکن است تحت تاثیر محدودیت‌های شرعی در معاملات قرار گیرد.

بخش دوم: ضرورت‌های ارائه‌ی خدمات مالی اسلامی کارآمد

به اعتقاد بسیاری از محققان، یکی از علت‌های ایجاد رشد اقتصادی، منابع مالی است که از طرف بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری به سمت فعالیت‌های مولد و اقتصادی سرازیر می‌شود. بازارهای مالی پیشرفته نظیر بازارهای مالی کشورهای پیشرفته صنعتی، حجم قابل ملاحظه‌ای از سرمایه مالی اقتصاد مربوطه را در کنترل دارد (سامتی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۳۳). بانک‌ها و مؤسسات اعتباری با تجهیز پس‌اندازها و هدایت آنها به سمت بنگاه‌های تولیدی و تجاری، اولاً سرمایه‌های راکد و احیاناً مخرب اقتصادی را به عوامل مولد تبدیل

کرده و ثانیاً، سایر عوامل تولید، به ویژه سرمایه‌ی انسانی را که به دلیل کمبود سرمایه‌ی بیکارند یا با بهره‌وری پایینی کار می‌کنند، به سمت اشتغال کامل با بهره‌وری بالا سوق می‌دهند (فراهانی فرد و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۹۶). بانکداری اسلامی از روندی رو به رشد به ویژه در سال‌های اخیر برخوردار بوده است. گسترش و رونق اینگونه عملیات بانکی در میان کشورهای اسلامی از یک سو و تقاضای کشورهای غربی مبنی بر تطابق قوانین بانکداری آنها با قوانین اسلامی از سوی دیگر، رشد چشمگیر این نوع نظام بانکی را رقم زده است. به این ترتیب اهمیت بانک‌های اسلامی اکنون به یک امر واقعی و انکارناپذیر در حوزه بانکداری تبدیل شده است (محرابی، ۱۳۹۳، ص ۶۶). امروزه نزدیک به ۱۵۰ موسسه تامین مالی در بیش از ۴۵ کشور جهان در حال توسعه و گسترش و اجرایی کردن اشکال متفاوت تامین مالی اسلامی هستند. بر اساس مطالعات، از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۴، بانک‌ها و موسسات مالی اسلامی سالیانه از رشدی حدود ۲۰ درصدی برخوردار بوده‌اند و ارزش کل دارایی آنها از ۳۰۰ میلیون دلار در سال ۲۰۰۵، به حدود ۲۰۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ افزایش یافته است (غفاری فرد و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۰۵). مطالعات کارآیی بانک‌ها نشان می‌دهد که بهره‌وری فی نفسه جنبه مهمی در کنار سایر ویژگی‌های بانک مانند اندازه، ترکیب دارایی‌ها، ریسک، نقدینگی، ساختار بازار و متغیرهای اقتصاد کلان است که بر عملکرد بانکی تأثیر می‌گذارد (بک و همکاران، ۲۰۱۳، ص ۲۲۰)، با توجه به سطح بالای دارایی بانکداری اسلامی، سهم آن در بازار و نقش واسطه‌گری‌های مالی فعال آن، مالیه اسلامی به اقتصاد واقعی نزدیک است. بنابراین مالیه اسلامی در ایران بطور فزاینده نقش مهمی در اقتصاد بازی می‌کند و در حال حاضر حساب‌ها سهم اساسی دارایی هر بانک را بخود اختصاص داده‌اند (حبیبی و عمیدی، ۱۳۹۹، ص ۱۴۳). الزامات معاملاتی که توسط دارایی‌های مشهود پشتیبانی می‌شوند، باعث شده بانک‌های اسلامی، در مقایسه با بانک‌های متعارف به اقتصاد واقعی بیشتر نزدیک شده که این

موضوع به نوبه خود در دوران پسا بحران بسیار مهم بوده است. با این حال، انتخاب خدمات مالی اسلامی یا متعارف به سرمایه‌گذار بستگی دارد. اگر چه انتظار می‌رود سرمایه‌گذاران کشورهای اسلامی، خدمات مالی اسلامی را در اولویت قرار دهند. با این حال، ممکن است انتخاب بانکداری اسلامی یا متعارف برای سرمایه‌گذاران مفید باشد. در عربستان سعودی، شرکت‌ها نسبت به استفاده خدمات مالی اسلامی استقبال بیشتری نموده‌اند (المنصور و انگنا، ۲۰۱۸، ص ۷۹). بطور کلی، سرمایه‌گذاران در امور مالی اسلامی ممکن است مایل باشند هزینه اضافی برای "سود سهام روانی"^۷ متحمل شوند (بلن، ۲۰۰۷، ص ۶۸۵). از سوی دیگر، کارایی بویژه در زمینه‌ی کسب مزیت رقابتی، بسیار مهم است. بر اساس تئوری مبتنی بر منابع^۸ سودآوری بانک‌ها با تفاوت در کارایی ارتباط دارد (چن و همکاران، ۲۰۱۵، ص ۲۱). چنین تفاوت‌های کارایی ممکن است از تفاوت در فناوری، تجربه یا مدل تجاری ناشی شود. در بسیاری از مطالعات انجام شده، نقش محوری کارایی بانکداری در ارتباط میان سرمایه، ریسک بانکی و رقابت به خوبی اثبات شده است (دنگ و همکاران، ۲۰۱۷، ص ۲۲۱). با توجه به اینکه ارتباط میان کارایی و ریسک بانک‌ها معکوس است، لذا رقابت، بانک‌ها را به سمت افزایش کارایی و تقویت عملکرد و بقا سوق می‌دهد. در واقع، کارایی نقش کاتالیزور دارد (اسچیک و سیهاک، ۲۰۱۴، ص ۲۱۶).

بخش سوم: کارایی تامین مالی اسلامی

تامین مالی اسلامی با هدف ارائه الگویی جدید برای جانشینی نظام‌های مالی سنتی و مرسوم و فراهم کردن امکانات و فرصت‌های مالی، تجاری و سرمایه‌گذاری منطبق با اصول شریعت در ادبیات مالی جهان ظهور نموده است (غفاری فرد و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۰۵). در بانکداری متعارف، در حالتی که تامین مالی با استفاده از وام انجام شود، نگرش کارفرما به پروژه نیز



بطور منفی تحت تاثیر قرار می گیرد. چرا که تعهدهای قراردادی کارفرما به بازپرداخت اصل سرمایه به اضافه سودی که باید به آن اضافه شود، وی را از انجام آزمایش و نوآوری در جهت بدست آوردن سود بیشتر منع می کند. در مقابل، نظام تامین مالی اسلامی که در آن تامین مالی در برخی مواقع بر مبنای مشارکت در سود به سمت کارفرما جریان می یابد، تا حد فراوانی ویژگی های مدل مطلوب مالک- تامین کننده مالی را حفظ می کند. از اینرو، کارایی نظام تامین مالی اسلامی بیشتر از کارایی نظام تامین مالی متعارف بهره ای است (عیوضلو و میسمی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۶). بعد از اجرای موفق ایده بانکداری بدون ربا در بسیاری از کشورهای اسلامی، اندیشمندان مسلمان در زمینه طراحی ابزارهای مالی اسلامی اندیشه کردند. به این منظور مطالعات گسترده ای بر روی عقود شرعی و قابلیت آنها برای ابزارسازی صورت گرفت تا با استفاده از آنها ابزارهای مالی اسلامی بعنوان جایگزین ابزارهایی چون اوراق قرضه و اوراق سهام ممتاز که بطور معمول مبتنی بر قرض با بهره و ربا هستند، طراحی گردد. متفکران مسلمان توانستند با رعایت ضوابط شرعی و نیازهای واقعی جوامع اسلامی، انواعی از ابزارهای مالی ارائه کنند (صالحی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۲۱). ارائه خدمات مالی اسلامی مبتنی بر مضاربه، یعنی یک سرمایه گذار و یک کارآفرین وارد یک کار مشترک می شوند و تقسیم سود می کنند. مرابحه یک فروش هزینه به همراه سود^۹ است (ایزلدین، ۲۰۲۱، ص ۶). بانک های اسلامی اغلب درگیر توسعه و رفاه اقتصادی هستند. از اینرو، ایجاد نقدینگی بالاتر آنها نسبت به بانکداری متعارف، قابل توضیح می باشد (برگر و همکاران، ۲۰۱۷، ص ۱). یکی از روش های مهم فرآیند تأمین مالی، تبدیل کردن دارایی ها به اوراق بهادار است، که یکی از ابزارهای جدید در عرصه تأمین منابع مالی همراه با کاهش ریسک نهادهای مالی محسوب می شود. با استفاده از این ابزار، نهادهای مالی و غیرمالی می توانند پرتفویی از دارایی های با درآمد ثابت را فروخته و در نتیجه به منابع مالی ارزان تر و با ریسک کمتر در مقایسه با استقراض مستقیم

دست یابند. یکی از رایج‌ترین انواع اوراق بهادار در بانکداری متعارف بهره‌گیری از اوراق قرضه است. اما کشورهایی که بخش عمده‌ای از آنان را مسلمانان تشکیل می‌دهند، نمی‌توانند برای پاسخ به نیازهای مالی خود از بازارهای مالی که مبتنی بر نرخ بهره هستند استفاده کنند، زیرا در اسلام، مطالبه و پرداخت بهره، حرام است. لذا اوراق بهادار اسلامی (صکوک)، بعنوان جانشینی برای اوراق قرضه معرفی شده است (صالحی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۱۹).

بخش چهارم: مروری بر مطالعات انجام شده در داخل و خارج از کشور

رشد قابل ملاحظه‌ی صنعت بانکداری اسلامی در سال‌های اخیر موجب شده است تا مطالعات زیادی بمنظور مقایسه عملکرد نسبی بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف صورت پذیرد (کیانی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۰۳).

- ایزل‌دین و همکاران^{۱۰} (۲۰۲۱) به بررسی چگونگی پویایی کارایی بانک‌های اسلامی و متعارف و چگونگی همگرایی آنها در کشورهای مختلف پرداخته‌اند. آنها نشان دادند که بانک‌های اسلامی و متعارف هم از نظر کارایی پایدار و هم سرعت همگرایی مشابه هستند. آنها همچنین نشان دادند که همسویی بین این دو نوع بانک با عمق بازار مالی کشور، شفافیت، ثبات اقتصادی و تمرکز بانکی رابطه مثبت دارد.

- عظمت و همکاران^{۱۱} (۲۰۲۰) بررسی کرده‌اند که چگونه بدهکاران بانک‌های اسلامی تحت تأثیر ریسک در اقتصاد کلان قرار می‌گیرند. آنها دریافتند که ریسک اقتصاد کلان تأثیر قابل توجه و مثبتی بر سپرده‌های بانکی متعارف دارد، در حالیکه تأثیر آن بر سپرده‌های بانک‌های اسلامی منفی است یا بطور قابل توجهی کمتر از نمونه‌های معمول آنهاست.

- بیتار و همکاران^{۱۲} (۲۰۱۹) کارایی در بانکداری اسلامی را در مقابل بانکداری متعارف مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌های آنها این دیدگاه را تأیید می‌کند که محدودیت‌های اعمال شده توسط قانون شریعت ممکن است شکاف کارایی بین دو نوع بانک را با هزینه بانک‌های اسلامی افزایش دهد.
- کبیر حسن و همکاران^{۱۳} (۲۰۱۹) نشان دادند که بانک‌های اسلامی نسبت به بانک‌های متعارف در مدیریت ریسک بهتر عمل می‌کنند.
- سلمان و نوآز^{۱۴} (۲۰۱۸) به بررسی مقایسه‌ای میان سیستم مالی اسلامی و بانکداری متعارف پرداخته‌اند. نتایج مطالعه آنها با بسیاری از یافته‌های قبلی مخالف است. زیرا تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد که بین هر دو نوع بانکداری برای متغیرهای مورد مطالعه تفاوت معنی‌داری وجود دارد. همچنین نشان دادند که بازده دارایی بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری متعارف بر اعتماد مشتری تمرکز دارد.
- بیله و همکاران^{۱۵} (۲۰۱۲) نیز نشان دادند که در بانک‌های اسلامی کشور پاکستان، پیش فرض‌های کمتری برای وام‌های اسلامی نسبت به وام‌های متعارف وجود دارد.
- سریری (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای به بررسی بانک‌های موجود در منطقه شورای همکاری خلیج فارس پرداخت و نشان داد که کارایی نسبی بانکداری اسلامی در مقابل بانکداری متعارف بیشتر است.
- آنگنا و یانکو^{۱۶} (۲۰۱۱) دریافتند که بانک‌های اسلامی در ترکیه بطور عمده با بانک‌های چندگانه، جوان، متمرکز بر صنعت و شرکت‌های شفاف در ارتباط هستند.

- عبدالمجید و همکاران (۲۰۱۰) نشان دادند که کارائی نسبی بانک‌های اسلامی و متعارف بطور چشمگیری در سراسر کشورها متفاوت است.
- صالحی و همکاران (۱۳۹۹) چگونگی و شرایط اوراق بهادارسازی در بانکداری اسلامی را مطرح نمودند و همچنین نشان داده‌اند که اگر استفاده از این ابزار مالی در چارچوب بانکداری اسلامی صورت پذیرد، از نظر شرعی و فقهی بلامانع است.
- علیرضایی و همکاران (۱۳۹۷) به مطالعه‌ی تطبیقی بانکداری اسلامی و متعارف بحرین و بانکداری بدون ربای ایران پرداخته‌اند. آنها دریافتند که بانک‌های متعارف بحرین توانسته‌اند برخلاف بانک‌های بدون ربای ایران و اسلامی بحرین با افزایش تسهیلات اعطایی میزان سودآوری خود را افزایش دهند.
- در مطالعه‌ی گرمسیری و خسروپرور (۱۳۹۴) شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه بانک‌های اسلامی کمتر مقرون به صرفه هستند، با این حال این بانک‌ها دارای نسبت واسطه‌گری و کیفیت بالاتری بوده و بهتر سرمایه‌گذاری کرده‌اند.
- کیائی و همکاران (۱۳۹۲) مطالعه‌ای با هدف مقایسه عملکرد بهینه در بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف به انجام رسانیده‌اند. بر اساس نتایج بدست آمده، عملکرد بهینه بانکداری اسلامی در اعطای تسهیلات و جذب سپرده در سطوح بالاتری نسبت به عملکرد بهینه بانکداری متعارف قرار می‌گیرد.
- فراهانی فرد و همکاران (۱۳۹۲) به دنبال اثبات این فرضیه است که کارایی نظام بانکداری اسلامی نسبت به بانکداری سنتی در برابر بحران مالی (۲۰۰۹-۲۰۰۷) بیشتر است، اقدام به بررسی کارایی ۱۰۰ بانک در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ که از این

تعداد ۵۰ بانک اسلامی و ۵۰ بانک غیراسلامی (خاور میانه) بوده است، پرداختند. نتایج حاکی از آن بود که بانک‌های اسلامی در مقایسه با بانک‌های غیراسلامی از کارایی بیشتری برخوردارند.

— موسویان (۱۳۸۸) اذعان داشت، تحلیل‌های نظری و یافته‌های تجربی نشان می‌دهد که مدل بانکداری اسلامی، بویژه زمانی که سهم درخور توجهی از معاملات آن در بخش سرمایه‌گذاری‌های اساسی و بلند مدت، بر اساس قراردادهای مشارکتی انجام گیرد در قبال بحران‌های مالی از ثبات بیشتر و نسبت به متغیرهای کلان اقتصادی از کارایی بالاتری برخوردار است.

— عیوضلو و حسین میسمی (۱۳۸۷) بصورت نظری بر روی دو مورد از منافع اقتصادی که از اطاعت از قانون الهی درباره تحریم ربا (بهره) مورد انتظار است، یعنی ثبات و کارایی، مطالعه‌ای انجام دادند. یافته‌ها نشان داده است که تامین مالی اسلامی نسبت به تامین مالی متعارف باثبات تر و کاراتر است.

— نادری کزج و صادقی (۱۳۸۲) در مطالعه‌ای سعی داشتند به این سوال پاسخ دهند که آیا بانک‌های اسلامی که تحت نظام بانکداری اسلامی فعالیت می‌کنند، کاراتر هستند یا بانک‌هایی که در کنار بانک‌های ربوی به فعالیت مشغولند؟ نتایج نشان می‌دهند، کارایی بانک‌های غیر ربوی بحرین و قطر و بطور کلی کارایی بانک‌های غیر ربوی که در شرایط رقابت در کنار بانک‌های ربوی فعالیت می‌کنند، از کارایی بانک‌هایی که تحت نظام بانکداری غیر ربوی (ایران، سودان و پاکستان) فعالیت می‌کنند، بیشتر است.

نتیجه گیری

عملکرد بانکداری بدون ربا در کشورهای مختلف، نتایج متفاوتی را نشان داده است. این تفاوت‌ها به کارایی بانک‌ها در زمینه‌ی تجهیز و تخصیص بهینه منابع، عدم محدودیت‌های مختلف در قوانین و مقررات یا اندک بودن کارمزد بین بانک‌ها و مردم و نظیر اینها مربوط می‌شود. ادبیات در حال رشد که کارایی بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف را با یکدیگر مقایسه می‌کند، شواهد متفاوتی در مورد کارایی این نوع بانکداری ارائه می‌دهد:

(۱) برخی از مطالعات بیان کرده‌اند که تفاوت معنی‌داری بین دو نوع بانکداری از لحاظ کارایی وجود ندارد.

(۲) برخی دیگر از مطالعات نشان داده‌اند که بانک‌های اسلامی بطور قابل توجهی از بانک‌های متعارف کارآمدتر هستند.

(۳) همچنین شواهدی در سال‌های اخیر وجود دارد که نشان می‌دهد بانک‌های متعارف بطور قابل توجهی از بانک‌های اسلامی کارآمدتر هستند. مطالعاتی همچون عبدالمجید و همکاران (۲۰۱۱)، عبدالمجید و همکاران (۲۰۱۰)، در این گروه قرار می‌گیرد.

این یافته‌های متناقض تا حدی به محدودیت‌های انتخاب نمونه نسبت داده می‌شود. یک راه‌حل این است که کشورهای متمایز که دارای شرایط اقتصادی مختلف هستند و یا اینکه مقررات بانکی و حسابداری خاصی دارند، در نمونه لحاظ نشود. با این حال، در شرایطی که سایر پارامترها ثابت باشد، هر کدام از بانکداری اسلامی و متعارف که نرخ‌های بهره کمتری در مقابل ارائه تسهیلات به مشتریان طلب کند، از عملکرد بهینه‌ی بالاتری برخوردار است که این



مطلب رقابت در دو نظام بانکداری را نشان می‌دهد. یکی از دلایل کارایی بانکداری اسلامی ممنوعیت ربا است. ممنوعیت ربا سبب می‌شود به جای گردش پول در بازارهای مالی، منابع مالی به سمت فعالیت‌های بخش واقعی اقتصاد هدایت شده و مانع سقوط قیمت دارایی و بروز بحران مالی می‌شود.

بعنوان نتیجه‌گیری کلی، می‌توان گفت یک محیط اقتصادی اسلامی که بجای استفاده از بهره، به میزان مناسب از عقود مشارکتی و مبادله‌ای استفاده می‌کند، به علل گوناگون پیشرفت و توسعه اقتصادی بیشتری را در پی خواهد داشت و با بحران‌های کمتر و کوتاه‌تری رو به رو خواهد شد و در مقابله با بحران‌های مالی جهانی از مقاومت و انعطاف‌پذیری بیشتری برخوردار است. از طرف دیگر اگر فعالیت‌های اقتصادی بانک‌های بدون ربا بر پایه عقود مبادله‌ای باشد، به نظر می‌رسد می‌توان اثر عوامل روی نرخ تنزیل، نرخ مرابحه، انتظارات سود و سرانجام انتظارات عرضه و تقاضای کالاها را مطرح کرد اما چون این نرخها برخاسته از معامله‌های واقعی هستند، عامل بی‌ثباتی نمی‌شوند؛ بنابراین شوک‌ها در اقتصاد هم محدودتر است و هم کمتر پیش می‌آید.

از طرف دیگر چون سهم کارفرمایان در تحمل ضرر احتمالی کمتر می‌شود، تقاضای برای سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد؛ در نتیجه در جستجوی اشخاص صاحب تجربه و مدیر بر می‌آیند تا سود خود را افزایش دهند و اقتصاد با آهنگ سریعتری به سمت اشتغال کامل گام برمی‌دارد. نهایتاً با بالا رفتن اشتغال و تولید کل، عرضه کل نیز افزایش یافته؛ در نتیجه سطح عمومی قیمت‌ها کاهش می‌یابد.

پی نوشت ها

1. Johnes et al.
2. Abdul-Majid et al.
3. Kamarudin et al.
4. Srairi
5. Akhtar et al.
6. Alhomaiddi and Kabir Hassan
7. psychic dividend
8. resource-based theory
9. cost-plus-profit sale
10. Izzeldin et al
11. Azmat et al
12. Bitar et al
13. Kabir Hassan
14. Salman and Nawaz Hassan
15. Baele et al
16. Ongena and Yuncu

منابع و مآخذ

- حبیبی، فاتح و عمیدی، سحر (۱۳۹۹). مالیه اسلامی و رشد اقتصادی: تجربه ایران، فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره سی ام، صص ۱۵۹-۱۴۱.
- سامتی، مرتضی، رنجبر، همایون و همتراده، منیره (۱۳۹۱). بررسی مقایسه‌ای تأثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی تحت اطلاعات نامتقارن (مورد مطالعه کشورهای منتخب توسعه یافته و در حال توسعه)، فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال سوم، شماره ۳.
- صالحی، زهره، واعظ برزانی، محمد و طغیانی دولت آباد، مهدی (۱۳۹۹). اوراق بهادار سازی در بانکداری اسلامی، فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره سی و یکم، صص ۱۴۶-۱۱۷.
- فراهانی فرد، سعید، فشاری، مجید و خانزاده، یاور (۱۳۹۴). تأثیر مؤسسات مالی بانکی و غیربانکی اسلامی بر رشد اقتصادی ایران (رهیافت گشتاور تعمیم یافته GMM)، فصلنامه مدل سازی اقتصادی، شماره ۳.
- فراهانی فرد، سعید، نظریور، محمدنقی و بایی، سارا (۱۳۹۲). مقایسه تطبیقی کارایی بانک‌های اسلامی و غیراسلامی، فصلنامه علمی پژوهش اقتصاد اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، صص ۱۲۲-۹۳.
- کیائی، حسن، ابریشمی، حمید و سبحانی، حسن (۱۳۹۲). مقایسه عملکرد بهینه در بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف: استفاده از فرآیند تصادفی پرش - انتشار،

دوفصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی، سال ششم، شماره اول، پیاپی ۱۱، صص ۱۰۷-۱۳۱.

- عیوضلو، حسین و میسمی، حسین (۱۳۸۷). بررسی نظری ثبات و کارایی بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری متعارف، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال هفتم، شماره ۳۱، صص ۱۶۱-۱۸۹.

- علیرضایی، مجید، محقق نیا، محمد جواد و یوسفی، صمد (۱۳۹۷). مطالعه‌ی تطبیقی بانکداری اسلامی و متعارف بحرین و بانکداری بدون ربای ایران (با رویکرد سودآوری)، فصلنامه علمی - ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره بیست و سوم، صص ۷-۲۹.

- غفاری فرد، محمد، رحمتی، عادل و یوسفزی، داوود (۱۳۹۸). نقش تامین مالی اسلامی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب اسلامی با استفاده از داده های تابلوئی (مورد مطالعه صکوک)، فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره بیست و نهم، صص ۱۰۳-۱۲۰.

- محرابی، لیلا (۱۳۹۳). واکاوی روشهای تجهیز و تخصیص منابع در نظام بانکداری اسلامی کشورهای مختلف، مجله اقتصاد، شماره ۴۳، صص ۶۵-۹۴.

- مجاهدی موخر، محمد مهدی (۱۳۹۶). نقد و بررسی دلالت‌ها، چالش‌ها و راهکارهای بانکداری متعارف در اقتصاد ایران، فصلنامه علمی - ترویجی اقتصادی و بانکداری اسلامی، شماره ۲۱، صص ۱۱۵-۱۲۴.



- Akhtar, S., Akhtar, F., Jahromi, M., John, K.(2017). Intensity of volatility linkages in Islamic and conventional markets. In: KFUPM Islamic Banking and Finance Research Conference.
- Alhomaidi, A., Kabir Hassan, M.(2017). The effect of implicit market barriers on stock trading and liquidity. In: KFUPM Islamic Banking and Finance Research Conference.
- Al-Jarrah, I., Molyneux, P.(2006). Cost efficiency, scale elasticity and scale economies in arab banking. *Banks Bank Syst.* 1, 60–89.
- Almansour, A., Ongena, S.(2018). Bank loan announcements and religious investors: empirical evidence from Saudi Arabia. *J. Empir. Financ.* 47, 78–89.
- Al-Muharrami, S.(2008). An examination of technical, pure technical and scale efficiencies in GCC banking. *Am. J. Financ. Account.* 1, 152–166.
- Azmat, S., Sohail Azad, A.S.M., Ghaffar, H., Hayat, A., and Chazi, A. (2020). Conventional vs Islamic Banking and Macroeconomic Risk: Impact on Asset Price Bubbles, *Pacific-Basin Finance Journal*, 2-55, <https://doi.org/10.1016/j.pacfin.2020.101351>
- Beck, T., De Jonghe, O., Schepens, G.(2013). Bank competition and stability: cross-country heterogeneity. *J. Financ. Intermed.* 22, 218–244.
- Berger, A.N., Boubakri, N., Guedhami, O., Li, X.(2017). Liquidity creation and financial stability implications of Islamic banking: Evidence from a multinational study. KFUPM Islamic Banking and Finance Research Conference.

- Bitar, M. Pukthuanthong, K. and Walker, T. (2019). Efficiency in Islamic vs. conventional banking: The role of capital and liquidity, *Global Finance Journal*, 2-63, <https://doi.org/10.1016/j.gfj.2019.100487>.
- Bollen, N.(2007). Mutual fund attributes and investor behavior. *J. Financ. Quant. Anal.* 42, 683–708.
- Chen, C., Delmas, M.A., Lieberman, M.B.(2015). Production frontier methodologies and efficiency as a performance measure in strategic management research. *Strateg. Manag. J.* 36, 19–36.
- Dong, Y., Girardone, C., Kuo, J.-M.(2017). Governance, efficiency and risk taking in Chinese banking. *Br. Account. Rev.* 49, 211–229. <https://doi.org/10.1016/j.bar.2016.08.001>.
- El-Gamal, M.A., Inanoglu, H.(2005). Inefficiency and heterogeneity in Turkish banking: 1990–2000. *J. Appl. Econom.* 20, 641–664.
- Ernst & Young. (2016). World Islamic Banking Competitiveness Report: New realities, new opportunities.
- Hasan, M., Dridi, J.(2011). The effects of the global crisis on Islamic and conventional banks: a comparative study. *J. Int. Commer. Econ. Policy* 2, 163–200.
- Hassan, T., Mohamad, S., Khaled, I., Bader, M.(2009). Efficiency of conventional versus Islamic banks: evidence from the Middle East. *Int. J. Islam. Middle East. Financ. Manag.* 2, 46–65.
- Izzeldin, M., Johnes, J., Ongena, S., Pappas, V. and Tsionas, M. (2021). Efficiency convergence in Islamic and conventional banks,



Journal of International Financial Markets, Institutions & Money, 70, 101279, pp 1-24.

– Kabir Hassan, M., Ashraf Khan, Andrea Paltrinieri (2019). Liquidity risk, credit risk and stability in Islamic and conventional banks, Research in International Business and Finance, Vol. 48, PP. 17-31.

– Mobarek, A., Kalonov, A.(2014). Comparative performance analysis between conventional and Islamic banks: empirical evidence from OIC countries. Appl.Econ. 46, 253–270.

– Mohamad, S., Hassan, T., Bader, M.K.I.(2008). Efficiency of conventional versus Islamic Banks: international evidence using the Stochastic Frontier Approach (SFA). J. Islam. Econ. Bank. Financ. 4, 107–130.

– Ongena, S., Sendeniz-Yuncu, I.(2011). Which Firms Engage Small, Foreign or State Banks? And Who Goes Islamic? Evidence from Turkey. Journal of Banking and Finance 35, 3213–3224.